



(مصاحبه با اکبر غزالی، معاون اعتباری سرپرستی منطقه یک بانک سپه تهران)

# نموده‌هایی از ناکارآمدی نظام بانکی

دخالت دولت، وزارتخانه‌ها یا بخش‌های مختلف آنها بر فعالیت‌ها و عملیات بانک‌ها و انجام عملیات حاشیه‌ای را می‌توان از مهمترین آنها نامید، و در رابطه با عوامل درون‌سازمانی نیز منطبق نبودن دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی با نیاز مشتریان، نرخ سود منفی بانک‌ها و... را می‌توان برشمرد.

● اگر مایل باشید، ابتدا به بررسی عوامل برون‌سازمانی بپردازیم. ممکن است در خصوص ارتباط تصمیم‌گیری‌های سازمان‌ها با عملکرد بانک‌ها توضیح بیشتری بدهید؟

○ همانطور که می‌دانید، سیستم بانکی یک سیستم باز است، لذا بسیاری از مشکلات و نارسایی‌های سیستم از بیرون به بانک تحمیل می‌شود. مثلاً چنانچه عدم حمایت لازم وزارت کشاورزی از کشاورز بنا به هر دلیل موجب کاهش تولید محصول برنج شود و از طرفی، وزارت بازرگانی اقدام بایسته در موقع مقتضی جهت حمایت از مصرف‌کننده نکند، طبیعتاً

دلالت‌ها و واسطه‌ها وارد عمل شده و برای اینکار چون احتیاج به پول هنگفت دارند، لذا از طریق بازارهای غیرمستقیم پولی اقدام به تهیه پول با نرخ‌های بالا نموده، محصول کشاورزان را خریده و احتکار می‌کنند. اینکه اصولاً عمل احتکار موجب بروز چه فعل و انفعالاتی در بازار و اقتصاد مملکت می‌شود، برای همه محرز و مشخص می‌باشد، ضمن اینکه بحث آن در این مصاحبه نمی‌گنجد، لیکن در خصوص تأثیر عملکرد آنها بر بانک‌ها همین قدر بدانیم که تفاوت فاحش نرخ بهره در بازارهای غیررسمی و غیرمستقیم با نرخ سود بانکی موجب توقع بحق سپرده‌گذار شده، چه بسا مطالبی از این سپرده‌ها به همین دلیل از سیستم بانکی خارج و به بازار مذکور روانه شود. از طرفی، چون نرخ تسهیلات اعطایی در بانک‌ها کمتر از بازار می‌باشد، متقاضیان دریافت تسهیلات برای دریافت تسهیلات به بانک‌ها فشار می‌آورند. ولی چون اعطای تسهیلات با عنایت به تعریف آن در هر بخش با توجه به شرایط خاصی معمول می‌گردد، فلذا مشاهده می‌شود که هم سپرده‌گذار و هم متقاضیان دریافت تسهیلات از سیستم بانکی گله‌مند می‌شوند، در حالیکه متولی این نارضایتی دو وزارتخانه کشاورزی و بازرگانی بوده‌اند، لیکن سیستم بانکی نباید پاسخگوی تصمیمات نادرست این دو وزارتخانه باشد.

نمونه‌های دیگر از اینگونه عوامل

به نظر شما، عمده نموده‌های ناکارآمدی در نظام بانکی ایران چیست؟

○ بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن عرض سلام، بنده هم به نوبه خود از اینکه جنابعالی و سایر دست‌اندرکاران نشریه به بررسی واقعی عملکرد سیستم بانکی، آنهم از درون پرداخته‌اید، تشکر می‌کنم. ابتدا ضمن احترام به نظر کارشناسان امور بانکی و قبل از بررسی این مهم باید عرض کنم که این ناکارآمدی مختص سیستم بانکی نمی‌باشد، بلکه اگر نگاهی کلی به عملکرد سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها از قبیل آموزش و پرورش، اقتصاد، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کشاورزی، آموزش عالی، بازرگانی و... ببندازیم، متوجه این واقعیت که هیچکدام از آنها کارآیی لازم را برای رسیدن به اهداف خود نداشته‌اند، خواهیم شد. اما اینکه چرا مدتی است نگاه‌ها صرفاً متوجه عملکرد سیستم بانکی شده، سوالی است که رجال مذهبی - سیاسی مملکت، علی‌الخصوص اعضای مجلس خبرگان و فقهای شورای نگهبان خود باید پیرامون آن بررسی و سپس تصمیم‌گیری فرمایند.

علی‌ایحال، عمده دلایل ناکارآمدی سیستم بانکی را می‌توان به دو دسته تفکیک کرد: عوامل برون‌سازمانی و عوامل درون‌سازمانی. در خصوص عوامل برون‌سازمانی تصمیم‌گیری‌های غلط سازمان‌ها و دستگاه‌هایی که عملکرد آنها ارتباط مستقیم با کار بانک دارد و همچنین،

چاپ متن مصاحبه با یکی از مدیران شعب بانک ملت در شماره قبل از آن جهت مورد استقبال چشمگیر خوانندگان قرار گرفت که نگاهی از درون بود و مشکلات سیستم و هم چنین، مسایل و مشکلات مربوط به مدیریت و کارکنان سیستم بانکی را از نزدیک مورد بررسی قرار می‌داد. استقبال قابل توجه خوانندگان ارجمند از این موضوع موجب شد که این دیدگاه را حفظ کنیم و در این شماره هم به سراغ یکی از مدیران اجرایی سیستم بانکی برویم. آقای اکبر غزالی، معاون سرپرستی منطقه یک بانک سپه - تهران نیز از جمله مدیرانی است که چون از نزدیک دستی بر آتش دارد، لذا نظریاتش خواندنی و مفید است و گوشه‌های تاریک و گلوگاه‌های استراتژیک در زنجیره ناکارایی سیستم بانکی را به خوبی روشن و آشکار می‌کند. متن این مصاحبه را ملاحظه فرمایید.

## بانک و اقتصاد

● جناب غزالی، ضمن تشکر به خاطر شرکت در این مصاحبه، در ابتدا به این سوال می‌پردازیم که برخی از کارشناسان مستقل امور بانکی بر این باورند که نظام بانکی ایران حرکتی رو به افول را آغاز کرده و کارآمدی لازم را ندارد.

برون‌سازمانی را می‌توان پیش فروش انواع خودرو و تلفن همراه یا پذیره‌نویسی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... برشمرد. بدیهی است که این‌گونه تصمیمات باعث می‌شوند که سیاست‌های پولی اتخاذ شده از سوی بانک مرکزی سست شود و هر سازمان یا نهادی که سود بیشتری را برای جذب منابع بردارد، نقدینگی بیشتری را جذب می‌کند و به بخش مورد نظر سوق می‌دهد. در نتیجه، با توجه به تفاوت نرخ سودهای بانکی و سود شرکت‌های مذکور این بانک‌ها هستند که در جذب سپرده مغبون نده، فنذا با توجه به کمبود منابع در اعطای تسهیلات نیز با مشکل روبرو می‌شوند.

● یکی دیگر از عوامل برون‌سازمانی در خصوص ناکارآمدی بانک‌ها را پرداختن به عملیات حاشیه‌ای ذکر نمودید. ممکن است در این خصوص بیشتر توضیح بدهید؟

○ از دیدگاه بانکداری، تمامی عملیات و فعالیت‌های مجاز بانک در سه محور کلی تجهیز منابع، تخصیص منابع و ارائه خدمات متنوع پولی خلاصه می‌شود، لیکن می‌بینیم که یک سری عملیات حاشیه‌ای مانند دریافت قبوض آب، برق و تلفن، پرداخت حقوق پرسنل شاغل و بازنشسته سایر سازمان‌ها، فروش اوراق مشارکت، توزیع کوپن و... که عملاً بانک‌ها را از انجام عملیات بانکی دور ساخته است، جزو خدمات متنوع پولی برای بانک‌ها برشمرده شده! در حالیکه خدمات بانک‌ها علاوه بر تحصیل درآمد برای بانک، یکی از ابزارهای تشویقی برای جذب سپرده می‌باشد و برخلاف آن انجام عملیات حاشیه‌ای هم هزینه‌های بانکی را افزایش می‌دهد و هم بانک را از کار اصلی دور می‌سازد. به عنوان نمونه، بانک‌ها بابت دریافت وجه هر قبض آب، برق، گاز و تلفن مبلغ ۲۰ ریال از دستگاه مربوطه کارمزد اخذ می‌کنند، اما از لحظه‌ای که مشتری وجه قبض را به باجه پرداخت می‌کند تا زمانی که همان پول به حساب دستگاه مربوطه واریز می‌شود، برای بانک ۲۵۰ ریال هزینه دارد. البته این فقط محاسبه هزینه‌های مستقیم است. هزینه‌های غیرمستقیم هم این است که وقتی مشتری وارد بانک می‌شود و ازدحام جمعیت را برای پرداخت قبوض مختلف در جلوی باجه می‌بیند، منصرف می‌شود و از بانک بیرون می‌رود، زیرا صندوقدار حق ندارد کارهای مشتری سپرده‌گذار را خارج از نوبت انجام دهد. بنابراین، این وضع اساساً به معنای دقیق کلمه ناکارآمدی در بانک‌ها می‌باشد.

● آیا شما در رابطه با هزینه‌های تحمیلی ناشی از ارائه خدمات حاشیه‌ای در شعب منطقه خود، حداقل در خصوص دریافت قبوض ذکر شده، آمارگیری و محاسبه‌ای کرده‌اید؟

○ براساس آمارهای که من از سال گذشته در اختیار دارم، در همین منطقه که دارای ۵۲ شعبه بانکی است، بیش از ۴۷۸ هزار قبوض مختلف دریافت شده است، یعنی به طور میانگین هر شعبه سالی ۹۲۰۰ قبض دریافت کرده است. بدیهی است که با هزینه ۲۳۰ ریالی که از طریق دریافت این قبوض به بانک تحمیل می‌شود، هر شعبه مبلغ ۲۱۱ هزار و ۶۰۰ تومان هم زیان خالص نصیبش می‌شود. حال حساب کنید که خالص زیان ۵۲ شعبه منطقه چقدر می‌شود؟ و

● پیش‌فروش انواع خودرو و تلفن همراه یا پذیره‌نویسی سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... از جمله عوامل برون‌سازمانی هستند که بر سیاست‌های پولی اثر می‌گذارند.

● هزینه‌های مستقیم بانک‌ها بابت وصول و ایصال هر قبض آب، برق، تلفن و... حدود ۲۵۰ ریال است، در حالیکه از این بابت فقط ۲۰ ریال دریافت می‌دارند!

بهر از آن اینکه این رقم زیان یک شعبه را به واحدهای بانکی سراسر کشور تسری دهید.

● البته تمام مشکلات سیستم بانکی هم پدیده انتقالی نیستند که از بیرون به داخل سیستم بانکی منتقل شوند؟ بعضی‌ها معتقدند که دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی هم عامل افزایش ناکارآمدی هاست؟

○ بله، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی که از جمله عوامل درون‌سازمانی ناکارآمدی می‌باشند، بانک‌ها را در یک چارچوب "بایدها و نبایدها" قرار می‌دهد و مدیران اجرایی را برای اتخاذ تصمیمات بهینه گرفتار می‌کند. به زبان ساده‌تر، بخشنامه‌های مزبور اجازه نمی‌دهند که بانک‌ها در مقابل نیازهای متقاضیان تسهیلات و خدمات واکنش‌های مناسبی نشان دهند. به عنوان نمونه، در سال جاری و همچنین در سال گذشته، به علت شفاف نبودن دستورالعمل‌های

مربوط به واردات، علی‌الخصوص واردات دارو، بعد از گذشت چند ماه از سال هنوز برای تولیدکنندگان و واردکنندگان دارو مشخص نبود که چه میزان پیش پرداخت برای افتتاح گشایش الزامیست. بدیهی است که این حرکت بانک مرکزی علاوه بر اینکه عدم کارایی سیستم بانکی را موجب شد، سیستم داریبی کشور را هم با بحران روبرو کرد. به عبارتی بهتر، عدم ابلاغ یک دستورالعمل شفاف باعث شد تا این بار سیستم بانکی به محیط بیرونی فشار وارد آورد.

● برخی از کارشناسان اقتصادی، عدم کارایی بانک‌ها را با پایین بودن نرخ سود سپرده‌ها مرتبط می‌دانند، ضمن اینکه این گروه از کارشناسان معتقدند که در بانک‌ها هیچ وقت محاسبه سود واقعی سپرده‌گذاران انجام نشده است. نظر شما در این باره چیست و چه راه حل پیشنهادی برای آن دارید؟

○ همین طور است. متأسفانه نرخ سود خارج از شبکه بانکی چند درصد بیشتر است و همین مسأله موجب عدم جذب هر چه بیشتر سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌ها می‌شود، ضمن اینکه این نحوه محاسبه سود بانک‌ها برای سپرده‌ها خیلی از صاحبانظران اسلام را هم دچار تردید کرده است من معتقدم که اگر سیستم بانکی سود واقعی سپرده‌ها را محاسبه و به مشتری پرداخت کند، مطمئناً هم منابع بانک‌ها افزایش می‌یابد و هم بانکداری غیرربوبی رعایت می‌شود.

● یکی از بهترین دلایل ناکارآمدی‌ها و زیان بانک‌ها همین تسهیلات تکلیفی است، تسهیلاتی که منابع آن به سختی تهیه و تجهیز می‌شود، اما به آسانی در اختیار "مشتریان اولویت‌دار" قرار می‌گیرد. آیا به راستی تسهیلات تکلیفی صرف امور مورد نظر، از جمله امور تولیدی و اشتغال‌زایی می‌شود؟

○ متأسفانه از زمانی که بحث تسهیلات مطرح شد تا زمان انتصاب وزیر امور اقتصادی و دارایی فعلی، هیچکس با این‌گونه تسهیلات مخالفتی نکرد و بعد از اعتراض ایشان بود که به تبع آن دیگران نیز معترض این نوع تسهیلات شدند.

بله، به ضرس قاطع می‌توان گفت که بیشتر این تسهیلات صرف امور مورد نظر قانون‌گذار نمی‌شود. من بارها مشاهده کرده‌ام که تسهیلات مذکور در اختیار همان مشتریان اولویت‌دار که شما فرمودید، گذاشته می‌شود که چون این نوع تسهیلات فاقد اصالت کافی بوده، قطعاً کمترین

بازدهی را هم خواهد داشت. ضمن اینکه احتمال زیان‌های وارده ناشی از اعطای اینگونه تسهیلات برای بانک‌ها بسیار بیشتر از تسهیلاتی است که خود بانک‌ها پس از تجزیه و تحلیل کارشناسی از ابعاد اقتصادی، مالی و فنی اعطا می‌کنند.

● شما تصور می‌کنید که چند درصد تسهیلات تکلیفی طبق اهداف اصلی صرف امور واقعی می‌شود؟

○ من آمار دقیقی ندارم، اما بر اساس مراجعاتی که صورت گرفته است، تصور می‌کنم چیزی حدود ۲۰ درصد تسهیلات تکلیفی اعطایی صرف امور واقعی و طبق اهداف مورد نظر قانونگذار شده است که البته اکثر آنها نیز مربوط به معرفی‌شدگان از طرف وزارتخانه‌های جهاد و صنایع بوده‌اند.

● آیا فکر نمی‌کنید که تسهیلات تکلیفی یکی از نموده‌های عینی ناکارایی و افت اقتصادی در نظام بانکی ایران است؟

○ مطمئناً همین طور است. به نظر بنده، این نوع تسهیلات نه فقط موجب ناکارایی سیستم بانکی شده، بلکه عدم اصالت درصد زیادی از این تسهیلات موجب افت اقتصادی، تورم و عدم اشتغال‌زایی برای جامعه شده است. عراضاً عرض کنم که تسهیلات تکلیفی یا بهتر بگویم "تحمیلی" باعث ایجاد رانت‌هایی برای آن دسته از مشتریان اولویت‌دار، به قول جنابعالی شده است.

● جناب غزالی، به غیر از مواردی که در خصوص عوامل درون‌سازمانی موثر بر ناکارایی بانک‌ها فرمودید، موارد دیگری هم به نظر تان می‌رسد؟

○ بی‌انگیزگی پرسنل بانک را می‌توان از جمله عوامل ناکارایی بانک‌ها برشمرد. نحوه پرداخت حقوق و مزایا در بانک‌ها به نحوی است که کارمندان هیچگاه مثل یک فروشنده از خدمات بانک خود تعریف و تمجید نمی‌کنند. بدیهی است در صورتی که سیستمی پیاده شود که کارمند در ازای کار بیشتر پول بیشتری دریافت نماید، مطمئناً کارکنان با انگیزه بیشتری فعالیت نموده و موجب کارایی بیشتر سازمان خود می‌شوند. البته دلیل بی‌انگیزگی کارکنان فقط مرتبط با میزان دریافتی آنها نیست، بلکه عوامل دیگر از جمله رفتار مدیریت و... نیز می‌تواند در این مهم دخیل باشد.

● شما به نکته خوبی اشاره کردید. اساساً پدیده بازاریابی از سوی کارمندان برای بانک

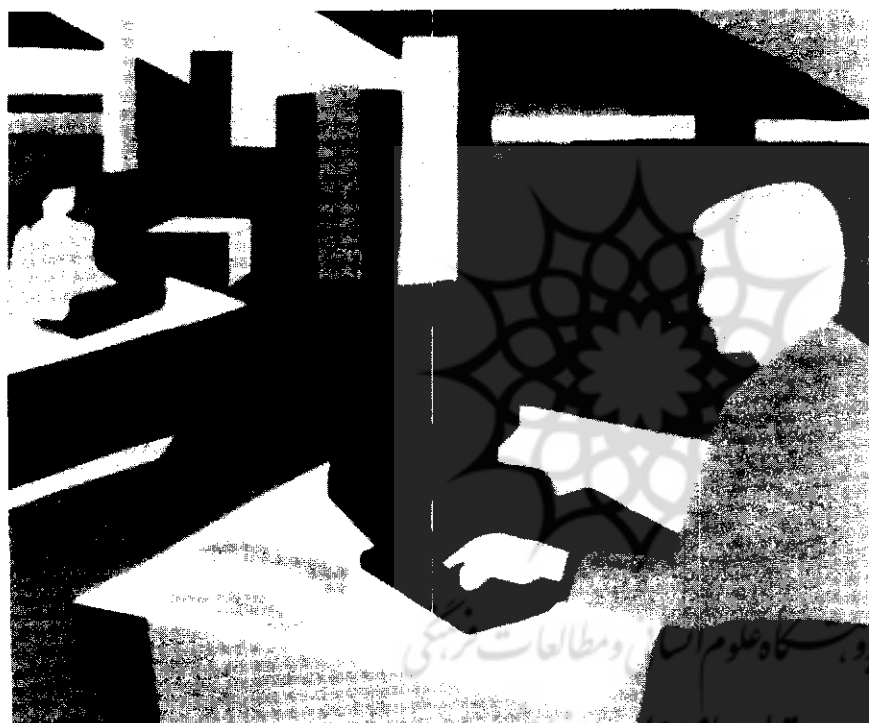
صورت نمی‌گیرد. آیا این مهم فقط به دلیل بی‌انگیزگی کارمندان می‌باشد یا اینکه بانک‌ها به دلیل دولتی بودن نیاز به بازاریابی در خود نمی‌بینند؟

○ ببینید، همانطور که در پاسخ به یکی از سوال‌های قبلی عرض کردم، اساساً فعالیت‌ها و عملیات بانکی در سه محور تجهیز منابع، تخصیص منابع و ارائه خدمات متنوع توسط شعب تحقق می‌یابد، که دو محور از سه محور یاد شده، یعنی تجهیز منابع و ارائه خدمات متنوع در بانک‌ها احتیاج مبرم به بازاریابی دارد

نرخ سود تسهیلات بانکی با نرخ بهره در بازارهای غیررسمی باعث شده است که در این بخش مشتری‌ها به دنبال بانک‌ها باشند. به همین دلیل، سیستم بانکی نیازی نمی‌بیند که به دنبال بازارهای بهتر برای سود آوری بیشتر بگردد.

● در بررسی دلایل ناکارایی، عوامل متعددی را بر شمردید. به نظر شما، شیوه‌های مدیریت بانک نیز می‌تواند از جمله عامل بروز ناکارایی بانک‌ها باشد؟

○ ببینید، غیر از یک دوره کوتاه‌مدت، یعنی از اواخر سال ۶۴ تا اواسط سال ۶۸ که تعدادی از



مدیران بانک‌های فعلی موقتاً از سمت خود برکنار شدند و به جای آنها مدیرانی از بین پرسنل بانک منصوب گردیدند که انصافاً در راستای اهداف دولت و نظام بانکی هم چند حرکت مثبت و مثر ثمر که نشانگر اصالت عملیات بانکی نیز بود. در آن برهه انجام دادند (مثل حذف تسهیلات خرید دین روی سفته‌های ناشی از معاملات داخلی و همچنین، سرمایه‌گذاری روی پرسروژه‌های اساسی و اشتغال‌زا مثل کارخانجات سیمان) در مابقی حفاصل سال‌های ۶۰ تا به امروز، یعنی بیش از پانزده سال اکثریت مدیران فعلی بانک‌ها، مدیریت نظام بانکی را به عهده داشته‌اند. در این خصوص، چند نکته قابل تأمل وجود دارد: اولاً، به دلیل اینکه فاقد

که این مهم در صورتی که توسط کارکنان، علی‌الخصوص کارکنان شعب انجام پذیرد، مطمئناً اهداف یاد شده محقق‌تر خواهد شد. ما باید بدانیم همانطور که اهمیت بانک به شعب آن می‌باشد، اهمیت شعب نیز به کارکنان آن است. به عبارتی بهتر، کارکنان، سرمایه اصلی بانک را تشکیل می‌دهند. بدیهی است هر بانکی که کارکنانش متعصب، علاقمند و آگاه به اهداف سازمانی باشند، کارا تر و موفق‌تر خواهد بود. فلذا عدم انجام بازاریابی در دو محور یاد شده از جانب کارمندان فقط به دلیل بی‌انگیزگی آنان می‌باشد.

و اما در خصوص محور سوم، یعنی تخصیص منابع اساساً وجود تفاوت فاحش میان

تخصص لازم می‌باشند، همیشه مسایل ریسک‌پذیر را به رده‌های پایین‌تر منتقل می‌کنند. ثانیاً، با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق از بیرون وارد سیستم بانکی شده‌اند، لذا شناخت و درک کاملی از پیچیدگی‌های سازمان نداشته و به همین دلیل، کمتر مطابق با اهداف کل سیستم عمل می‌کنند، ضمن اینکه تجربه چندساله نشان داده که این قبیل مدیران هیچوقت به تنهایی وارد بانک نشده‌اند، بلکه با عنایت به علاقه شدید آنها به شیوه مدیریت مشارکتی! معمولاً با اتوبوس رفت و آمد می‌کنند! و این حرکت، یعنی عدم توجه به زیرمجموعه‌ای که غالباً متخصص هستند، که نتیجه آن هم مشخص است: بی‌انگیزگی کارکنان. با این اوصاف، خود شما بفرمایید چگونه می‌توان عملکرد مدیریتی را که فاقد روحیه و مبانی دانش بانکی و مهارت‌های سه‌گانه مدیریتی بوده و رشد و تعالی خود و افراد همکمرش را مقدم به اهداف بانک می‌داند، عامل بروز کارایی دانست؟

● بنابراین، تصور شما بر عدم ریسک‌پذیری مدیران فوقانی صرفاً عدم تخصص آنها می‌باشد؟ ضمناً اثرات ناشی از قبول یا عدم قبول ریسک توسط مدیران اجرایی به چه میزانی می‌باشد؟  
○ نه الزاماً، چه بسا مدیر متخصص که برای حفظ و بقای خود (متأسفانه) مجبور به اجرای برنامه‌هایی می‌باشد که طبعاً دستور کتبی یا شفاهی آن از بیرون سازمان صادر شده است. مدیر بانک با علم به اینکه دستور مذکور خارج از ضوابط و مقررات و تجزیه و تحلیل کارشناسی می‌باشد، با درج عنوان "بررسی و اقدام طبق ضوابط و مقررات" و توصیه شفاهی مثبتی بر موافقت با انجام دستور، ریسک را به مدیران اجرایی و در نهایت به شعبه منتقل می‌کند. حال، این ضوابط و مقررات اگر انجام شود، مدیر مربوطه جزو مدیران نا هماهنگ است و اگر نادیده گرفته شود، جزو "مدیران هماهنگ" قرار خواهد گرفت.

● تأثیر این قبیل عملکردها بر بدنه بانک چیست؟

○ خوب، در کل سطوح سازمان، باعث ایجاد نارضایتی می‌شود، یعنی برای بدنه سازمان کاملاً مشهود است که این مسئله دارد به او تسخیم می‌شود و کاری غیرمقرراتی انجام می‌گیرد و از آن مهمتر اینکه، اگر مشکلی هم در شعبه ایجاد شود، مقامات بازرسی‌کننده و نظارت‌کننده معمولاً مسوولان و کارمندان شعبه را مورد بازخواست و مواخذه قرار می‌دهند و

این، یعنی افزایش نارضایتی و بی‌انگیزگی در بدنه بانک و نهایتاً یکی از دلایل عدم کارایی.

● شما در این گفت و شنود به بخشی از ناکارآمدی‌های نظام بانکی اشاره فرمودید. باید بگویم که تمام مواردی که شما به آن اشاره کردید، دقیقاً نمود ناکارآمدی‌های مشهود در نظام بانکی ایران است. به نظر شما، با پا به عرصه گذاشتن بانک‌های خصوصی و رقابت این بانک‌ها با بانک‌های دولتی، احتمال رفع ناکارآمدی‌های ذکر شده در کوتاه مدت وجود دارد؟

○ همانطور که در اول مصاحبه عرض کردم، در بردهای که اکثر بخش‌های مملکت به علل مختلف فاقد بازده لازم می‌باشند، بزرگ جلوه دادن ناکارآمدی‌های نظام بانکی، آنهم توسط کسانی که حدود دو دهه بر این سیستم حاکمیت داشته و در شکل‌گیری عوامل

● دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی اجازه نمی‌دهند که بسانک‌ها در مقابل نیازهای متقاضیان تسهیلات و خدمات، واکنش‌های مناسبی نشان دهند.

● اگر سیستم بانکی سود واقعی سپرده‌ها را محاسبه و به مشتری پرداخت کند، هم منابع بانک‌ها افزایش می‌یابد و هم ضوابط بسانکداری غیرریبوی رعایت می‌شود.

ناکارآمدی‌های سیستم به طور مستقیم و غیرمستقیم قصور ورزیده‌اند (البته انشا... سهواً بوده است) مطمئناً بهانه‌ای بود برای هم‌وار کردن راهی که منجر به تأسیس بانک‌های خصوصی می‌گردید، که امید است رجال مذهبی - سیاسی مملکت تأمل بیشتری به این مهم بفرمایند. فقط کافیست شما نگاهی گذرا و اجمالی به اهداف نظام بانکی مندرج در ماده یک از فصل اول قانون عملیات بانکی بدون ربا ببیند. در هیچکدام از پنج بند ماده مذکور تحصیل سود به عنوان هدف اصلی نظام بانکی نمی‌باشد. خوب، به نظر شما، کدام سرمایه‌گذاری حاضر به تأسیس بانک خصوصی جهت اعمال سیاست‌های کلان اقتصادی دولت (بدون انگیزه سود) می‌باشد. شما مطمئن باشید که با تأسیس بانک خصوصی نظام بانکی در حد

دلالتی نزول کرده، مناسبات ناسالم به مرور جایگزین روابط سالم شده، هر از چند گاهی به بهانه نرخ تورم و نارضایتی سپرده‌گذار و... سیر صعودی به نرخ سپرده‌ها داده و... النهایه کار را به جایی می‌رسانند که قانون عملیات بانکی بدون ربا را که مبتنی بر چارچوب نظری قابل توجیه جامع الاطراف تدوین شده، به بهانه وجود اشکالات زیر سوال برده و... "تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل".

● بدین ترتیب، مشخص شد که جنابعالی با تأسیس بانک‌های خصوصی مخالف هستید. بنابراین، برای افزایش کارایی بانک‌های دولتی چه پیشنهادهایی دارید؟

○ عمده پیشنهاد بنده رفع همان موانعی است که موجب ناکارایی سیستم بانکی شده بود. به عنوان مثال، دولت نه تنها در نحوه و چگونگی اعطای تسهیلات نیاستی دخالت کند، بلکه باید با حمایت‌های لازم در خصوص جذب منابع بانک‌ها از حرکت‌های موازی سازمان‌ها و شرکت‌هایی که از طریق فروش اوراق سهام و... اقدام به جذب سپرده‌های مردم می‌کنند، جلوگیری بعمل آورد. یکی از ویژگی‌های بانکداری بدون ربا، عامل نظارت به هنگام تخصیص منابع و بعد از تخصیص منابع می‌باشد. اگر دولت، بانک مرکزی و خود بانک‌ها بدون لحاظ کردن رابطه‌های سیاسی این نظارت‌ها را اعمال کنند، تسهیلات اعطایی اصالت پیدا می‌کند و اصالت تسهیلات، یعنی حداقل اشتغال‌زایی. تبیین ویژگی‌های نظام بانکی برای آحاد مردم، یعنی دادن شناخت صحیح به جامعه و ایجاد انگیزش در پرسنل بانک. به نحوی که مطمئن شوند منافع و مضار حاصل از عملکردشان به خودشان برمی‌گردد. این نکته را هم می‌توان از جمله اقدامات موثر سیستم بانکی دانست. البته پیشنهادهای دیگری نیز وجود دارد که با توجه به جو مدیریتی حاکم بر بانک‌ها. جامعه عمل پوشاندن کوچکترین پیشنهاد زهی خیال باطل!

● با تشکر از اینکه در جهت اصلاح و ترمیم نظام بانکی ایران این مصاحبه را با تشریح خودتان انجام دادید. اگر پیام خاصی دارید، بفرمایید.

○ من هم تشکر می‌کنم و پیام خاص به خوانندگان نشریه اینکه: گفتم آن بار کز و گشت سردار بلند جرمش آن بود که اسرار هویدا می‌کرد